

بیانیه جمعی از فعالین دانشجویی دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی به مناسبت آغاز سال تحصیلی

"دیکتاتورها، ظلم را بر می‌انگیزند؛ دیکتاتورها، بردگی را بر می‌انگیزند؛ دیکتاتورها، شقاوت را بر می‌انگیزند و نفرت‌انگیزتر از همه اینکه، دیکتاتورها حماقت را بر می‌انگیزند؛ پس بر ماست تا با آشنایی، تمرکز و سازماندهی فعالیت‌ها، به برساختن هویت ناب دانشگاه و دانشگاهیان و ادامه هجده‌گسترده و همه‌جانبه خود علیه دستگاه سرکوب ادامه دهیم."

به نام آزادی آغاز می‌کنیم و به نام شرافت انسانی؛ آنچه این روزها، ایستاده مثله می‌شود... مهر امسال را نیز همچون سال‌های از پیش‌رفته، با بغضی در گلو و خروشی در سلاله وجودمان آغاز می‌کنیم؛ که ما، هم‌پیمانان آزادمردان و آزادزان این خاک به خون کشیده‌ایم؛ که ما، زخم‌خوردگان جور زمانه ایم؛ که ما، هم‌نسلان جوانه‌های دیروز و ایستاده بر آرمان‌های دیروز و امروزیم... و این آغاز، آغازی دوباره بر کابوس دستگاه سرکوب نیز می‌باشد... خودکامگان و متحجرین در طول این سال‌ها و بالاخص طی دوسال گذشته، با تمام دستگیری‌ها، تعقیب‌ها، شکنجه‌ها و تهدیدها، تمام ظرفیت خود را در جهت سرکوب، حذف و کنترل تمامی جنبش‌های اجتماعی به‌کار بسته است؛ اگرچه در این بین، آنچه به چشم می‌آید، نابسامانی و سردرگمی اقتدارگرایان در تمامی عرصه‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی است.

سیاست‌های نادرست و سطحی سران حاکمیت در تمامی عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و حتی نظامی، هر دم به گسترش عفونت این پیکره در حال تلاشی دامن می‌زند. اجرای طرح‌هایی چون امنیت اجتماعی، مقابله با اراذل و اوباش و طرح عفاف و حجاب؛ اعمال روبه‌فزونی ممیزی، سانسور و تشدید فشارها و محدودیت‌ها بر تمامی حاضران و ناظران عرصه هنر و فرهنگ؛ تثبیت و استمرار حضور نیروهای نظامی-امنیتی در رأس هیأت وزیران و سایر نهادها و ارگان‌های حکومتی و اجتماعی؛ و در آخر، تلاقی سیاست‌های اقتصادی نظام با بحران‌های سیاسی داخلی و خارجی، تنها مختصری از مجموعه جنایات سریالی و خاموش این خودکامگان است؛ که پیام‌آور افزایش فشارها، نزول سطح معیشتی، فرهنگی و اجتماعی مردم و به دنبال آن، رشد آمار بزهکاری، تکی‌گری، طلاق، قتل، تجاوز، فساد، خودفروشی و تنزل در سطوح تمامی عرصه‌های اجتماعی است. و در این بین، کارگران، زنان، کودکان و تمامی اقشار ضعیف مانده جامعه، خمودگان این مسیر «عدالت‌محور» هستند؛ چراکه این، دست‌آورد سه دهه دروغ، خودکامگی و سرکوب دستگاه دیکتاتوری-نظامی ایران است و در این بین، صحن دانشگاه نیز از نظر معرکه‌گیران و مستبدان مصون نمانده است.

در آستانه سال تحصیلی جدید قرار داریم و اربابان قدرت و شوکت نظامی، هر دم در جست‌وجوی پراتیک‌های سرکوبگرانه تازه‌ای در جهت تثبیت استبداد حاکمه خود هستند؛ تلاش برای پادگانی کردن دانشگاه با اعمال سیاست‌هایی چون استمرار و گسترش پرونده‌سازی و ستاره‌دار کردن فعالان دانشجویی (که مغایر با حقوق دانشجویی و حقوق بشر است و به‌طور قطع، در طولانی مدت ضربه‌ای مهلک به رشد سطح علمی دانشگاه وارد می‌سازد)، احضارهای پی‌درپی و خارج از چارچوب دانشجویان به کمیته انضباطی و دفتر پیگیری وزارت اطلاعات؛ صدور احکام فله‌ای تعلیق و محرومیت از تحصیل؛ دخالت و حضور گسترده و بی‌شائبه حراست، نمایندگی رهبری، نهادهای گوناگون چون بسیج و به‌تازگی حوزویان (میثاق اخوت منعقد شده بین حوزه و دانشگاه در راستای اعمال نفوذ و صلاح‌دید هرچه بیشتر روحانیت صوری در تمامی عرصه‌های علمی و فرهنگی دانشگاه‌ها)؛ انتصاب اعضای سپاه پاسداران و سایر نهادهای امنیتی-اطلاعاتی در رأس دانشگاه‌ها و اجرای طرح برکناری اساتید دانشگاه و جاسازی عناصر بسیجی و امنیتی برای کنترل و اعمال هرچه بیشتر محدودیت‌ها و پیاده‌کردن فالتزیم، از سرفصل‌های روند اضمحلال جریان فکری فعلی حاکم در کشور به شمار می‌آید.

هجوم متحجرین به دانشگاه در قالب‌هایی چون سهمیه‌بندی جنسیتی، بومی‌سازی دانشگاه‌ها، مدیریت اسکان دانشجویان و این روزها نیز با تک‌جنسیتی کردن کلاس‌های درسی نیز خود را به رخ همگان می‌کشد و همه این‌ها، نشانگر گستره وسیع بی‌عدالتی، نظامی‌گری، آپارتاید جنسی و سیستماتیک علیه زنان و نهادینه کردن

بی‌حقوقی محض دانشجویان است؛ امری که در وهله آخر، درصدد اجرایی کردن بی‌نام و نشان انقلاب فرهنگی نرم (دوم) در راستای بی‌هویت کردن دانشجو در معنای واقعی کلمه و تبدیل دانشگاه به گورستان تفکر و اندیشه است.

چراکه همواره یکی از اهرم‌های سنگین در تقابل با دیکتاتوری، دانشجو و درواقع قشر جوان و آگاه جامعه بوده است؛ بنابراین تحولات دانشجویی به مثابه چنین اهرم مقاومتی و اثرگذاری آن بر تمامی جریان‌های مملکتی، به‌طور قطع هزینه گزافی بر کرده منحوسین نظام است.

با در نظر داشتن آینده‌ای روشن و با نگاهی به تاریخ و سرنوشت همه دیکتاتورها آنچه در وهله نخست پیش روی ماست، حفظ و تثبیت دستاوردهای دانشجویی است. دانشگاه از دیرباز پایگاهی علیه دیکتاتوری، بی‌عدالتی، ستم جنسی، ستم علیه اقلیت‌ها و رستاخیز کنش‌های آگاهانه و تحولات اجتماعی-سیاسی بوده و می‌باشد.

اما لازمه تحقق این امر، وقوع یک کنش جمعی پایدار و در واقع، شکل‌گیری و بروز یک هویت مشترک بین دانشجویان است و در این بین ما، باید دریابیم که چه عواملی موجب شکل‌گیری و استمرار چنین حس هویتی میان دانشجویان می‌شود؛ چراکه این هویت جمعی در هر شرایطی شکل نمی‌گیرد. البته تاحدودی قرار گرفتن در یک مسیر تاریخی مشترک، برای ایجاد چنین هویت مشترکی لازم است؛ همان‌طور که ما این پیوند را در فجایی چون کوی دانشگاه و انتخابات ۸۸ نظارم‌گر بودیم.

اما آنچه بیش از هر چیز به بر ساختن چنین هویت مشترک منتج به یک عملگرایی اجتماعی کمک می‌کند، وجود و درک و شناخت موقعیت‌های عینی و ذهنی متعارض است؛ تعارضی که هرگاه برای افراد تشکیل‌دهنده یک جمع خاص پیش آید، زمینه‌سازی یک کنشگری فعال را فراهم می‌سازد.

و لازمه کسب این درک و شهود، فقط و فقط، تماس با بدنه - توده- دانشجویی است چراکه شناخت و کسب آگاهی دقیق از مطالبات صنفی و همه گیر دانشجویان، رهبری این مطالبات و در نهایت احیاء و بازسازی دوباره و زنده‌تر تشکلهای دانشجویی، سدیست در مقابل تمامی معرکه گیری ها و جولان دادن های استبداد سیستماتیک.

آری؛ دیکتاتورها، ظلم را بر می‌انگیزند؛ دیکتاتورها، بردگی را بر می‌انگیزند؛ دیکتاتورها، شقاوت را بر می‌انگیزند و نفرت‌انگیزتر از همه اینکه، دیکتاتورها حماقت را بر می‌انگیزند؛ پس بر ماست تا با آشنایی، تمرکز و سازماندهی فعالیت‌ها، به بر ساختن هویت ناب دانشگاه و دانشگاهیان و ادامه همه‌ی گسترده و همه جانبه خود علیه دستگاه سرکوب ادامه دهیم.

دانشگاه زنده است؛ دانشگاه گورستان سنت های غلط، تحجر، استبداد و خودکامگی‌ست؛ دانشگاه تبریست به ریشه بی‌عدالتی، تبعیض و بی‌حقوقی؛ و دانشگاه، شکیبی‌ست در بطن هر حماسه ؛ و این است آن کلامی که سنگر ما را به تمامی وصف می‌تواند کرد...

بدین وسیله ما، دانشجویان آگاه و متعهد اعلام می‌داریم که تمامی سیاست‌های سرکوب انحصارطلبان تا به امروز، چه در صحن دانشگاه و چه در سایر عرصه‌های اجتماعی، صرفاً نشانه ترس سران از حضور و رشد آگاهی جمعی‌ست اما ما همچنان در جای‌جای خاک کشورمان، پرچم اتحاد و هم‌نوایی علیه استبداد را برپا کرده و تا دستیابی به تمامی مطالبات انسانی و بر حق خود بر عهده‌ی که با یاران دبستانی مان بسته ایم پایبندیم و بر حفظ دستاوردهای دانشگاه کوشا خواهیم بود.

تو می‌باید خاموشی بگزینی

به جز دروغات اگر پیامی

نمی‌تواند بود؛

اما اگر مجال آن هست

که به آزادی

ناله‌ای کنی،

فریاد در افکن

و جان‌ات را به تمامی

پشتوانه ی پرتاب آن کن...

منبع: دانشجوی‌نویز